



## پایین آمدن حاشیه سود کارخانجات اروپایی در کوتاه مدت

۲۵ اوت ۲۰۱۰

حاشیه بین مخارج مربوط به مواد خام و قیمت فولاد طی سال ۲۰۰۹ با رشدی متوالی روبرو بوده است؛ البته قابل ذکر است این رقم در اوایل آن سال به سطح پایینی رسیده بود. با اینحال با وجود افزایش قیمت فولاد به دلیل بالا رفتن بهای سنگ آهن و ذغال کک شاهد کند شدن رشد در نیمه اول سال ۲۰۱۰ بودیم. در واقع تقاضای ضعیف از سوی مصرف کنندگان نهایی قدرت کارخانجات در بالا بردن ارقام فروششان را محدود می کند.

هزینه های ورودی مربوط به سنگ آهن و ذغال کک فولادسازان در سه ماهه سوم ۲۰۱۰ به سطح ارقام ثبت شده در سال ۲۰۰۸ رسید. سپس انتظار دارد میانگین ارزش معاملات محصولات فلت اروپا در همان دوره حدود هر تن ۶۵۰ یورو (۸۱۰ دلار) باشد. با اینکه هزینه مربوط به مواد خام در سال جاری افزایش نشان داده است این عدد تقریباً ۲۵ درصد پایینتر از عدد ثبت شده در سال ۲۰۰۸ می باشد. زمانی که آن را به دلار تبدیل میکنیم به دلیل نوسان نرخ تبدیل ارز، آن عدد بیش از ۳۵ درصد بزرگتر می شود. از اینرو فولادسازان تلاش کرده اند تا هزینه های عملیاتی را کاهش دهند تا سودآوری خود را حفظ کنند. با این وجود درآمد آنها به طرز چشمگیری پایینتر از سطح مطلوب می باشد.

نرخ بهره وری ظرفیت در اروپا در ماه اوت ۲۰۰۹ حدود ۵۵ درصد بود. با بهبود حجم فروش، این نرخ طی سه ماهه دوم سال ۲۰۱۰ تقریباً به ۸۵ درصد رسید. ضعیف شدن اوضاع بازار احتمالاً کارخانجات را مجبور میکند تا تولید خود را در کوتاه مدت کاهش دهند و پیش بینی می شود میانگین نرخ تولید در این منطقه تا ۷۰ درصد کاهش یابد. انتظار می رود طی چند ماه پایانی سال جاری این مسئله بر حاشیه سود کارخانجات فشار رو به پایینی را وارد آورد.

قراردادهای سه ماهه سنگ آهن و ذغال کک می تواند روند قیمت گذاری فولاد در آینده را تغییر دهد. با تداوم ساختار هزینه جدید، ارزش معاملات بیشتر از ارزش مواد خام تاثیر خواهد پذیرفت تا جو روانی بازار. این مسئله تقریباً به طور قطع باعث روند رو به بالای ارقام فروش مربوط به طبقه محصولات فلت می شود.



به نظر می رسد حاشیه سود کارخانجات محصولات طولیل با رشد ارقام مربوط به اوراق قرضه افزایش یافته است. به همین ترتیب، کاهش ارزش ورودی نیز باعث پایین آمدن درآمد فولادسازان می شود.

طی ۱۲ ماه گذشته، فعالیت ضعیف در بخش ساخت و ساز و در نتیجه پایین آمدن حجم فروش نیز کاهش قیمت فولاد را بیشتر کرده است. این مسئله موجب می شود تفاوت بین رقم فروش و بهای اوراق قرضه در سه ماهه اول سال ۲۰۱۰ به کمترین حد خود در ۶ ماه اخیر برسد. تولیدکنندگان اروپایی تولید خود را کاهش دادند تا ارزش معاملات خود را در همین سطح حفظ کرده و مانع کاهش بیشتر آن شوند. با اینحال این مسئله منجر به کاهش تقاضا برای اوراق قرضه شد و از این رو فشار رو به پایین مضاعفی بر ارزش مواد ورودی وارد آورد.

ارزش اوراق قرضه اخیراً رشد داشته است چراکه با سپری شدن ماه رمضان، تقاضا در بخش صادرات از سوی ترکیه افزایش یافته است. این مسئله باید به ثبات قیمت محصولات طولیل طی ماه تابستان کمک کرده و موجب رشد نسبی این گروه از کالاها (که اکثراً تحت تاثیر مستقیم بهای اوراق قرضه آهنی می باشند) شده است. با این وجود به خاطر اینکه اوضاع بازار ضعیف می باشد پیش بینی می شود ارقام فروش طی چند ماه آینده ریزش داشته باشد. از اینرو، انتظار می رود حاشیه تبدیل کارخانجات طی این دوره کاهش یابد.

با اینحال، کاهش قیمت طبقه مربوط به کالاهای طولیل احتمالاً اندک خواهد بود چراکه ارزش معاملات به نقطه ای نزدیک می شود که هیچ سودی برای فولادسازان نخواهد داشت.